

پرورش خلاقیت دانشجویان معماری با بهره‌گیری از رویکرد پژوهش محور (IBL)

چکیده

مطالعه و بررسی رویکردهای آموزشی نشان می‌دهد، امروزه میان رویکردهای آموزشی، رویکرد یادگیرنده-محور از مهم‌ترین رویکردهای حاکم بر برنامه درسی است. این رویکرد انوعی دارد که متداول‌ترین آن در نظام آموزشی فعلی رویکرد فعال یا فعالیت-محور می‌باشند. رویکرد فعالیت-محور، هم‌اکنون به عنوان الگویی متداول سرلوحه‌ی کار کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است. در مقابل رویکرد یاد شده فوق، رویکرد پژوهش-محور قرار دارد که در آن فعالیت‌ها از بطن پرسش‌ها و علاقه‌مندی‌های دانشجویان بر می‌خیزد و طبیعتاً نمی‌توان آن‌ها را مانند رویکرد فعالیت-محور بسته‌بندی و فرموله کرد. این فعالیت‌ها برای دانشجویان متفاوت نیز به ناچار یکسان نیست. در این رویکرد دانشجوی خود به دنبال الگوها و روابطی مرتبط با مشاهده‌هایش از جهان پیرامون است و به عبارت دیگر نقطه شروع، مراحل کار و نقطه پایان فعالیت‌ها را خود تعیین می‌کند. مسئله‌ای که اینجا مطرح است ارتباط بین ویژگی‌های برخی علوم مانند معماری با انتخاب رویکرد آموزشی خاص است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی این مسئله پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد کاربرد رویکرد پژوهش محور هنگامی که فعالیت‌ها از بطن پرسش‌های دانشجویان بر می‌خیزد و براساس تجارب او شکل می‌گیرد، به وی فرصت داده می‌شود تا تجارب و مشاهده‌های خود را هم‌زمان به کار گیرد. نظر به اینکه در سیاستگذاری آموزشی معماری، پرورش بر آموزش تقدم مرتبه دارد، دستیابی به اهداف درست، درک و بیان معماری مستلزم اتخاذ رویکرد و روش‌های اثربخش و متناسب با این سیاست‌گذاری است. میان رویکردهای مختلف یادگیری، رویکرد پژوهش محور که گرایش پرورشی قوی‌تری دارد، برای به کارگیری در آموزش درک و بیان معماری اثربخش‌تر و مناسب‌تر است.

اهداف تحقیق:

۱. مطالعه و واکاوی ویژگی‌هایی رویکرد پژوهش محور
۲. تبیین نقش رویکرد پژوهش محور در پرورش خلاقیت دانشجویان معماری

سوالات تحقیق:

۱. آموزش پژوهش محور چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. رویکرد پژوهش محور چگونه در پرورش خلاقیت دانشجویان معماری مؤثر است؟

واژه‌های کلیدی: آموزش معماری، خلاقیت معماری، آموزش پژوهش محور، دانشجویان معماری، یادگیرنده-محور.

در دنیای کنونی موفقیت به برخورداری از آخرین دانش و توانایی به یک شیوه ابداعی و مؤثر بستگی دارد و این مسئله خود به یکی از مزیت‌های رقابتی بین جوامع مبدل شده است. لازمه تحقق آن خلاقیت و نوآوری و ابداع و ایده‌پروری، شایسته‌سالاری، ژرف‌فهمی، پروردگی و شکفتگی افرادی است که در چنین محیطی دست به تلاش و رقابت می‌زنند. دستیابی به این نتیجه صرفاً با نهادینه شدن فرهنگ و نظامی رشدیافته در حوزه آموزش میسر می‌گردد. نظامی که در آن آموزش‌های بنیادین و کاربردی با سمت و سویی پژوهش‌محور و توأم با نوآفرینی برای دانش‌پژوهان در کلان جامعه عرضه گردد. آن دسته از شیوه‌های آموزش و یادگیری که موجب افزایش انگیزه در فراگیران و سبب بروز و ظهور خلاقیت در آنان شود، کارایی بیشتری دارند، نظریه یادگیری سازنده‌گرایی در چند دهه گذشته مورد اقبال روان‌شناسان علوم تربیتی بوده است. یکی از این رویکردها، "پژوهش-محوری" یا جستجو-محوری است که زمینه‌ساز مشارکت فعال فراگیران در فرایند آموزش می‌گردد. رویکرد پژوهش-محور محصول رویکرد یادگیرنده‌محور و مبتنی بر مشارکت در فرایند آموزش است.

ضرورت پرداختن به این پژوهش آنجاست که هر زمان این مهم -محوریت پژوهش در متن آموزش- در سطح ملی عرضه گردد و خیل عظیمی از مخاطبان نظام آموزش را پوشش دهد از مزیت‌های آن، جامعه علمی و سپس کلان جامعه بهره‌مند شده و این خود دست مایه مزیت آموزش پژوهش‌محور در بعد علمی و عاملی از عوامل موفقیت در سایر ابعاد زیربنایی کشور از جمله اقتصاد، سیاست می‌گردد. چندی است که این روش یادگیری در آموزش معماری نیز مورد توجه است. پرداختن به یادگیری پژوهش-محور در آموزش طراحی از دو منظر اهمیت دارد، نخست حجم قابل توجه دروس عملی و کارگاهی در رشته معماری که نیازمند کار جستجوگری است و دوم ماهیت بدون قالب و انعطاف‌پذیر فعالیت‌های حرفه‌ای در این رشته. بنابراین توجه کافی به این امر در آموزش معماری اهمیت می‌یابد، زیرا به نظر می‌رسد که رویکرد یادگیری مبتنی بر کاوش و جستجوگری یادگیرنده، علاوه بر سنخیت با فعالیت‌های کارگاه طراحی، کمک شایانی به معماران آینده در محیط حرفه‌ای خواهد کرد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلى به این موضوع پرداخته است. درباره کاربست رویکرد آموزش معماری مقاله‌ای با عنوان «پرورش نوآموزان معماری، با بهره‌گیری از رویکرد یادگیری مشارکتی همیارانه» توسط دیناروند و همکاران انجام شده است. نویسندگان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش مشارکتی می‌تواند بسیاری از اهداف مورد نظر برنامه‌ریزان آموزشی در دروس پایه طراحی معماری را محقق کند. یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های یادگیرنده‌محور و مبتنی بر نظریه‌های نوین سازنده‌گرایی است (دیناروند و دیگران، ۱۳۹۶: ۵). این نوشتار تنها به بررسی نوآموزان به عنوان جامعه مورد مطالعه و روش مشارکتی پرداخته است. اما پژوهش حاضر با روش کمی و کیفی و با تکیه بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای درصدد بررسی تأثیر رویکرد پژوهش‌محور بر خلاقیت دانشجویان معماری است. برای تحلیل اطلاعات در این پژوهش با توجه به ابزارهای تحقیق از آزمون T برای دو گروه مستقل استفاده می‌شود و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل نهایی انجام خواهد شد.

نتیجه گیری

در راستای رویکرد پژوهش محور، می توان تأکید کرد که کار پرورشی نیازمند حضور همیشگی و صرف وقت فراوان از طرف مربیان است. برقراری تعامل سازنده با شاگرد و مشارکت بی واسطه معلم با او زمینه ساز رشد خلاقیت و پرورش توانایی ها و نیز افزایش خودباوری و انگیزه در دانشجویان کارگاه درک و بیان محیط خواهد شد. با این توصیف، تکلیف برنامه ریزان و معلمان معماری آن است که معلم برای حضور در کارگاه های درک و بیان به شیوه ای عمل کند که متضمن پرورش توانمندی های دانشجو و در یک کلام تربیت معمار باشد. به بیان دیگر معلم درک و بیان باید بیشتر دغدغه پرورش داشته باشد، تا آموزش صرف. همچنین برنامه ریزان باید توجه داشته باشند که زمان و مکان آموزش دروس درک و بیان محیط را به گونه ای برنامه ریزی کنند که اهمیت و حساسیت یک فعالیت با زمینه پرورشی محفوظ بماند و شأن آن به رسمیت شناخته شود.

همواره باید به خاطر داشت که به خاطر سپردن مطالب، به تنهایی هیچ سودی را عاید افراد نمی کند، بلکه خلاقیت در استفاده از این مطالب نقش مؤثری در پیشرفت شخص ایفا می کند. خلاقیت منحصر به افراد خاصی نیست و می توان آن را در خود ایجاد و تقویت کرد. برای انجام این مهم، علاوه بر شناخت ذهن و توانایی ها و تقویت ذهن، همچنین باید محیطی را طراحی کرد که خود تشویق کننده خلاقیت باشد.

در نظام آموزش پژوهش محور، غالب این عناصر تحت تغییر محتوایی یا روشی قرار می گیرند، بدین معنا که مربیان و معلمان، تا حد امکان، هویت پژوهشی می گیرند یا خود پژوهشگرند یا با مهارت های پژوهشی و لوازم آن، آشنا هستند. از نقش منتقل کننده معلومات به فراگیران، به زمینه ساز تولید و فهم دانش به وسیله خود آن ها تبدیل می شوند، و باعث ایجاد خلاقیت هم در استاد و هم در دانشجو می شود، معلم به عنوان یک رابط در کنار فراگیران قرار می گیرد و آن ها را وادار به تفکر می کند. او حفظ کردن را توجیه نمی کند و سعی می کند به فراگیران بیاموزد: چگونه خود، حقیقت را کشف کنند و خلاقیت در حقیقت جاری می شود. امری که در سنت آموزشی گذشته ما وجود داشته است. در کنار اساتید رایج، اساتید مشاور پژوهشی نیز به ارائه خدمات لازم می پردازند. آنچه مسلم است، در کوتاه مدت، امکان تحقق پژوهش محوری در امر آموزش، به طور کامل، میسر نیست. از این رو، باید در شیبه متعادل و معقول و به صورت مرحله ای، به سمت تحقق این هدف حرکت نمود. در ابتدا مناسب است، رویکرد اول عملیاتی و با فراهم شدن شرایط، به تدریج به سمت رویکردهای ترکیبی تر، پیش رفت. همان طور که آموزش باید مبتنی بر پژوهش باشد، پژوهش نیز به نحوی، مرهون فرایندهای آموزشی است. آموزش، فرایندی است که توسط آن بینش ها، هنجارها، روحیات و مهارت ها انتقال پیدا می کند و پژوهش گران شکل می گیرند. آموزش می تواند یافته هایی را که در پژوهش بدان رسیده، تصحیح کند؛ زیرا با طرح آن، یافته ها در محیطی عینی، نقص و خلل های موجود در آن ها معلوم می شود. بنابراین، باید فرایندهای آموزشی و پژوهشی، به صورت موزون و متعادل پیش بروند تا در نهایت به شکل گیری روند خلاقانه ختم شود. گسترش پژوهش در نظام آموزشی، در گرو تعامل سازنده تمام بخش های آموزشی و پژوهشی کشور است و هیچ یک از آن ها به تنهایی نمی توانند به بهبود وضع پژوهش در کشور، کمک کنند. بنابراین، پیشرفت در این زمینه، نیازمند عزمی ملی در این خصوص است. یادگیری پژوهش محور یک رویکرد آموزشی است که، در عرصه اجراء با روش ها و ترفندهای گوناگونی می تواند عملیاتی شود. بنا براین مدرسان دروس مقدماتی معماری عرصه خلاقانه ای را در اختیار خواهند

داشت تا با اقدام پژوهشی و تأمل بر تجربه های میدانی خود در کارگاههای طراحی، روش های پیاده کردن این رویکرد را بیازمایند و معرفی کنند.

منابع

آماپلی، ترزا(۱۳۸۷)، کارآفرینی خلاق و انواع و شیوه های حمایت از آن، ترجمه حسن قاسم زاده، تهران: پژوهش و مهندسی.

آماپلی، ترزا(۱۳۸۶)، شکوفایی خلاقیت، ترجمه: قاسم زاده و پروین عظیمی، تهران: نشر دنیای نو.

تقوایی، سید حسن، سمیاری، امیر(۱۳۹۴)، «آسیب شناسی برنامه درس طراحی در رشته معماری منظر در ایران، مطالعات معماری ایران، شماره ۸، صص ۱۱۹-۱۳۴.

تنهایی، ابوالحسن(۱۳۷۲)، درآمدی بر نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات خردمند.

حجت عیسی، (۱۳۸۰)، سنت و بدعت در آموزش معماری ایران، پایان نامه دکتری معماری، انشگاه تهران.

خادمیان، عبدالله (۱۳۸۵)، «خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش»، فرهنگ آموزش، شماره ۴، صص ۱-۱۳.

سلیمانی، سارا(۱۳۹۲)، «تأثیر بکارگیری چندرسانه های تعاملی بر بهبود کیفیت آموزش سازه در رشته معماری، معماری و شهرسازی، شماره ۵، صص ۷۵-۸۳.

سیف، علی اکبر(۱۳۸۰)، اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، تهران: نشر دوران.

سیف، علی اکبر(۱۳۸۹)، سنجش فرآیند و فرآورده یادگیری، تهران: نشر دوران.

شفقت، ابوطالب و مرتضی معروفانی اصل، ۱۳۹۰، الگوی عملی نظام آموزش عالی پژوهش محور در ایران، تأکیدی بر توسعه روابط دانشگاه و صنعت، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم(۱۳۹۷)، گروه هنر، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

علائی، علی(۱۳۸۵)، «نگاهی به آموزش تاریخ معماری در جهان(۱)»، مجله گلستان هنر، شماره ۶، صص ۲۸-۴۵.

فاضلی، نعمت الله(۱۳۸۷)، «رشد آموزش علوم اجتماعی»، شماره ۳۸، صص ۶-۱۹.

کریمی مشاور، مهرداد(۱۳۸۷)، «جایگاه دانشجویان در فرآیند آموزش طراحی معماری»، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری، تهران: دانشگاه تهران.

مهدوی نژاد، محمدجواد(۱۳۸۴)، «آفرینشگری و روند آموزش خلاقانه در طراحی معماری»، هنرهای زیبا، شماره ۲۱

مهدوی نژاد، محمدجواد(۱۳۸۳)، «آموزش نقد معماری: تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحمیل همه جانبه»، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، هنرهای زیبا، شماره ۲۱.

Barrow, L. (2006). A Brief History of Inquiry: From Dewey to Standards. *Journal of Science Teacher Education*, 17(3), 265-278.

Commission of the European Communities. (2008). *Improving competences for the 21st Century: An Agenda for European Cooperation on Schools*.

Department for Education. (2011). *About the school curriculum: Department for Education*.

Dinham SM (1986). Architectural Education: Is Jury Criticism a Valid Teaching Technique, in *Architectural Record*,

Frederickson M (1993). Gender and Racial Bias in Design Juries, in *Journal of Architectural Education*, No. 1, Vol. 47,.

Levy, P., Ford, N., Foster, J. Madden, A., Miller, D., Nunes, M., McPherson, M., Webber, S. (2003). Educational informatics: an emerging research agenda. *Journal of Information Science*, (29), 298-310.

National Research Council. (1996). *National science education standards*. Washington D.C.: National Academy Press.

National Research Council. (2000). *Inquiry and the National Science Education Standards: A guide for teaching and learning*. Washington D.C.: The National Research Council.